

باورهای نادرست فرزندپذیری را اصلاح کنیم

19 مهر 1401

در روزهای اخیر فکرم مشغول این مسأله بود که یکی از علت‌های مهم نامناسب عمل کردن مردم در برخی موقعیت‌ها این است که با آن موقعیت، ناآشنا هستند. همین کم‌آگاهی می‌تواند باعث ترس آنها شود یا مقاومتی بی‌منطق را در مواجهه با آن موقعیت رقم بزند. در برخی موارد، این افراد برای آرامش قلبی خود حتی دلیل‌سازی هم می‌کنند یا حدس‌هایی غیرواقعی می‌زنند. اینکه چقدر باتجربه یا به اصطلاح «دنیا دیده» باشیم، کمک می‌کند که افکار، احساس و رفتار بهتری به شرایط داشته باشیم. دنیا دیده بودن را شاید بتوان اینگونه تعبیر کرد که یا خودمان تجربه‌های بسیاری کسب کرده یا با دنیای دیگران آشنایی ذهنی پیدا کرده باشیم. برای روشن‌تر شدن این موضوع، ماجرای را که خود شاهد آن بودم برایتان روایت می‌کنم.

چندی پیش زوجی تصمیم گرفته بودند کودکی را به فرزندپذیری بپذیرند. شخصی دیگر که این موضوع را شنید، بسیار متعجب شد و بی‌آنکه نیت بدی داشته باشد، واکنش‌های ناپخته‌ای به این تصمیم نشان داد که سبب رنجش و آزار آن زوج شد؛ برای مثال به آنها گفت: «هیچ بچه‌ای مثل بچه‌ای که از خون خودت باشد، نمی‌شود!» اما پرسش این است که «آیا فردی که این تجربه را ندارد و کودکی را به فرزندپذیری نپذیرفته است، می‌تواند به خود اجازه اظهارنظر بدهد یا آن را با هر تجربه دیگری مقایسه کند؟! و اگر در مقام مقایسه برآید، چقدر این قضاوت و قیاس او قابل اعتماد است؟» در علم روانشناسی به این موضوعات تحت عنوان تفکر انتزاعی همراه با خطای شناختی پرداخته می‌شود. بسیاری از این خطاهای شناختی، از طریق آشنا شدن با افرادی که این تجارب را داشته‌اند، قابل اصلاح است و یکی از نقش‌های مهم رسانه‌ها می‌تواند همین باشد که تجربیات افراد را به دیگران انتقال دهند تا دنیای دید افراد را وسیع‌تر کنند.

بر اساس پژوهش‌ها بسیاری از خانواده‌هایی که هم فرزند زیستی (همخون) و هم فرزند غیرزیستی (غیرهمخون) داشتند، بارها اذعان کردند که مادری و پدری کردن، مختص زیستی بودن فرزند نیست و کودکانشان برایشان به یک میزان عزیز و دلنشین هستند. یکی دیگر از باورهای اشتباه در بین افراد ناآشنا به دنیای فرزندپذیری، این است که فکر می‌کنند افراد از سر خیرخواهی و لطف یا بدتر از آن از سر ترحم اقدام به فرزندپذیری می‌کنند؛ اما با نگاهی به آمارها می‌توان متوجه شد که خوشبختانه در کشور ما، تعداد خانواده‌هایی که در صف انتظار هستند تا بتوانند فرزند را به سرپرستی بگیرند، بیش از تعداد کودکانی است که شرایط واگذاری دائم از نظر دادگاه را دارند؛ یعنی برخی کودکان به دلایلی اجازه فرزندخواندگی برایشان صادر نمی‌شود.

نکته دیگر اینکه برای برخی زوجین، این انتخاب، انتخابی جایگزین و مطلوب‌تر برای مواجهه نشدن با عوارض جسمی و روانی درمان‌های ناباروری است و از این انتخاب، بسیار شادمان هستند. دیگر اینکه برای زوجینی هم که نابارور نیستند، این امکان در قانون ایجاد شده است که بتوانند چنین توفیقی داشته باشند و برخی از آنها در حال حاضر، والدین فرزندان خود هستند. فرزندانی که خداوند هستی مقدر کرده

که وجودشان رقم بخورد، خودش محبت آنها را در قلب والدینشان قرار می‌دهد؛ آنچنان که آنها و اطرافیانشان متوجه می‌شوند پیوندهای بسته شده به عمق جان، چقدر می‌توانند قوی باشند؛ چه با فرزندان زیستی و چه با فرزندان غیرزیستی. ترس منطقی، ما را از خطرات دور می‌کند؛ اما ترس‌های غیرمنطقی و آسیب‌رسان می‌بایست مدیریت شوند تا به ما برای حرکت در مسیر شهامت و رشد فرصت دهند. هرچه آگاه‌تر و دنیا دیده‌تر شویم، کمتر دچار ترس‌ها و قضاوت‌های بی‌منطق خواهیم شد و کمتر با رفتار اشتباهمان به خودمان و دیگران آسیب می‌رسانیم. همچنین آشنایی با تجربه زیسته دیگران بی‌گمان دایره امن زندگی ما را هر روز وسیع‌تر می‌کند.

دکتر نفیسه حشمتی‌مولایی

روانشناس